

## شناختنامه کتابخانه •

س: در ابتدا از حضور حضرت تعالی تقاضا می‌کنیم مروری بر چگونگی تشکیل و پیدایش کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی داشته باشید.

ج: بسم الله الرحمن الرحيم - اندیشه تاسیس این کتابخانه، یک هسته اولیه دارد که سالیانی قبل شکل گرفته است؛ سالیانی که حضرت آیت الله العظمی مرعشی در حوزه نجف اشرف مشغول تحصیل بودند. در آن سالها هجوم بیگانگان، بویژه انگلیسیها، به فرهنگ اسلامی و ذخائر غنی آن شکل جدی و علنی گرفته بود. هر روز سایه شوم و کرکس گونه این یغماگران بر کتابخانه‌ای می‌نشست و با یک نگاه سریع آنچه را مطلوب می‌افتاد، گلچین می‌کرد و می‌ربود. واسطه‌های سودجویی که به هیچ چیز جز سود شخصی نمی‌اندیشیدند، دست این یغماگران را به منابع عظیم فرهنگ اسلامی گشوده بودند و آن را در این سرقت یاری می‌کردند. اینان همه جا را زیر پا می‌گذاشتند و از همه کس سراغ می‌گرفتند تا نسخه خطی کمیابی را بیابند، و یا به مجموعه گرانمایی دست پیدا کنند، آنگاه به بهایی اندک آن را به چنگ می‌آوردند و با سود کمی در اختیار اربابان خود می‌گذاشتند.

با کمال تأسف، بی توجهی و کم مهری صاحبان و متولیان نسخ خطی نسبت به حفظ ذخائر فرهنگ اسلامی، راه را برای سودجویان بی فرهنگ هموار کرده بود.

---

• متن مصاحبه با مجله آینه پژوهش (سال اول، شماره اول، خرداد و تیر ۱۳۶۹) است و اطلاعات و آمار آن مربوط به همان سال است.

آیت الله العظمی مرعشی که ناظر دلسوخته این تاراج فرهنگی بودند، توان لازم و قدرت کافی را برای مقابله کامل با آن نداشتند. از این رو ایشان تصمیم گرفتند تا به قدر توان با این پدیده شوم مقابله کنند و در حد مسیر به حفظ ذخائر فرهنگ اسلامی بپردازند.

در ابتدا فهرستی از کتابهای ارزشمند چاپی و نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های شخصی و کتاب فروشها را تهیه کردند، به این امید که بتوانند آنها را خریداری کنند و از بوته تاراج خارج کنند. خرید این مجموعه بودجه زیادی لازم داشت که ایشان فاقد آن بودند. به این لحاظ از ضروری‌ترین مخارج زندگی خود می‌کاستند و زحمت نماز و روزه استیجاری را متحمل می‌شدند تا مقداری از آن بودجه را تأمین کنند. در همین راستا ایشان می‌فرمودند که مدت شش ماه در پایان و شب و پس از فراغت از درس و بحث، به برنج کوبی می‌پرداختند و پول حاصل از آن تلاش را صرف خرید کتاب می‌کردند.

تحمّل تنگدستی و زحمت کار و تلاش در راه حفظ میراث فرهنگی اسلام، نه تنها برایشان گران نمی‌آمد، که خوش و گوارا بود. شهد گوارایی که نتیجه کار به کام ایشان می‌نشاند، نه تنها خستگی را از تن ایشان می‌زدود، که مرارت حاصل از استهزا و تمسخر کسانی که ایشان را به انجام کاری بیهوده متهم می‌کردند؛ نیز می‌سُترد. کم نبودند افرادی که رنج جستجو در میان کتابهای مختلف و گردآوری نسخ خطی گرد و غبار گرفته را یک رنج بیهوده و بی سرانجام می‌دانستند؛ و نکوهش به ایشان را نوعی امر به معروف و هدایت و خبرخواهی تلقی می‌کردند. اما هدف و انگیزه مقدس ایشان مانند خورشیدی نورانی نتیجه کار را مشخص می‌کرد و به ایشان روشنی و گرمای لازم را می‌بخشید. حتی آنگاه که برای خرید کتاب ریاض العلماء، تالیف میرزا عبدالله عیسی افندی اصفهانی از دانشمندان قرن دوازده هجری قمری، ایشان توسط مزدوران انگلیسی دستگیر و زندانی شدند و شبی را تا صبح با مرارت کامل در زندان انگلیسیها گذراندند؛ خم به ابرو نیاوردند و ناراحت نشدند. تنها غمی که بر دل ایشان نشست، این بود که آن مزدوران کتاب را از کف ایشان ربودند. گرچه اجازه استنساخ آن کتاب را در مدت بیست و چهار ساعت از آنها گرفتند و به کمک تنی چند

از دوستان خود به استنساخ آن پرداختند؛ ولی کدورت حاصل از به یغما رفتن کتاب، با ایشان بود.

از میان بردن منابع و ذخائر فرهنگی شیعه برای بی اعتبار جلوه دادن این مذهب، یکی از اهداف استراتژیک و قدیمی استعمارگر پیرانگلستان بوده و هست. در این جهت سرمایه گذاری هنگفتی شده بود: واسطه های سودجو مجموع کتابهای در معرض فروش را - چه ارزمند و چه فاقد ارزش - می خریدند، تا بازار خرید کتاب کاملاً در کنترل آنان باشد. نتیجه این سرمایه گذاری را شما امروز می بینید. نسخه های خطی و قدیمی کتب اربعه شیعه به راستی کم و نایاب است؛ در حالی که نسخ خطی دیگر کتابها که حتی قدیمتر از کتب اربعه است، موجود می باشد. این نشان می دهد که در کنار ساختن مذاهب و فرقه های ساختگی و دروغی، از میان بردن ذخائر فرهنگی و اصیل تشیع نیز در راستای هدف استعمارگران بوده است.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی از معدود کسانی بودند که بر این غارت میراث فرهنگی دل می سوزاندند و متأسف بودند و با تمام توان اندیشه مقابله با آن را داشتند. اما همان گونه که عرض کردم، توان ایشان محدود بود. علی رغم این محدودیت در توان و مشکلات دیگر، عنایات الهی شامل حال ایشان شد و معظم له توانستند مقدار زیادی از ذخایر فرهنگ اسلامی و شیعی را از این تاراج برهانند. مجموعه گرانقدری از این ذخائر را تهیه و گردآوری کردند و بخشی از آن را که شامل نسخ خطی و کتب چاپی نفیس بود. قبل از تأسیس این کتابخانه، به کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، و بویژه کتابخانه دانشکده الهیات اهدا کردند؛ تا در آنجا محفوظ باشد و در اختیار محققان و علاقه مندان قرار بگیرد. مجموعه ای که ایشان به کتابخانه دانشکده الهیات اهدا فرمودند، حدود سیصد و هفتاد جلد از کتابهای فارسی نفیس خطی بود که صورت اسامی آن در جلد اول فهرست کتابخانه دانشکده الهیات آمده است، و در همان جا یاد شده که هسته اصلی مخطوطات این کتابخانه را مجموعه اهدایی ایشان تشکیل می دهد.

اهمیت و حفظ میراث فرهنگی اسلام همواره در ذهن ایشان جایگاه خاصی داشته و دارد. هنگامی که بنای مدرسه معظم له در قم به پایان رسید و آماده بهره برداری شد،

یکی - دو اتاق آن برای مطالعه و کتابخانه اختصاص داده شد و بیشتر کتابهای درسی و متون فقهی و تفسیری، برای استفاده طلبه‌های مدرسه در آن وجود داشت. به مرور زمان افراد دیگری نیز از خارج مدرسه برای استفاده از کتابخانه تشریف می‌آوردند. و از کتابهای موجود استفاده می‌کردند. رفته رفته به منابع بیشتری احساس نیاز می‌شد، و با فراهم آمدن منابع و کتابهای جدید، فضای محدود و بازدهی مطلوب آن ممکن نبود به این لحاظ تصمیم گرفته شد طبقه سوم مدرسه ساخته شود و به عنوان کتابخانه مورد استفاده قرار بگیرد. این کار انجام شد و این کتابخانه در روز نیمه شعبان ۱۳۵۸ هجری قمری افتتاح شد. چندان زمانی سپری نگشت که دوباره احساس کمبود فضا شد و استقبال و تقاضا رو به فزونی داشت و مکان محدود بود. از این رو حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی تصمیم گرفتند بنای یک کتابخانه بزرگ و مستقل را پی ریزی کنند و مشکلات کمبود منابع و محدودیت فضا را بکاهند. حدود هزار متر زمین خریداری شد و کلنگ بنای کتابخانه به زمین زده شد. مراحل تکمیل بنا و آماده سازی آن چهار سال به طول انجامید و بنای کتابخانه در چهار طبقه آماده بهره برداری گشت. افتتاح رسمی آن نیز در نیمه شعبان ۱۳۹۴ هجری قمری انجام شد و کتابخانه با حدود شش هزار جلد کتاب شروع به کار کرد. فضای کتابخانه جدید، استعداد گسترش گنجینه کتابهای خطی و چاپی و سایر قسمتها را داشت؛ از این رو تمام همّت و تلاش ما در گسترش و غنای آن به کار گرفته شد.

حضرت آیت الله العظمی مرعشی قسمت اعظم کتابهای خودشان را به کتابخانه اهدا فرمودند و هر روز به مجموعه ذخائر این کتابخانه افزوده می‌شد. در یک اقدام بعدی، حدود پانصد متر زمین دیگر در جنب کتابخانه تهیه شد و در آن بنای یک ساختمان پنج طبقه ریخته شد و پس از تکمیل، به مجموعه بنای کتابخانه موجود افزوده گشت.

امروز که حدود پانزده سال از اولین روز شروع کار کتابخانه با موجودی شش هزار جلد کتاب می‌گذرد؛ تعداد کتابهای چاپی موجود در آن از مرز دویست و پنجاه هزار جلد می‌گذرد که از این تعداد، مجموع صد و سی و پنج هزار آن فیش برداری شده و بقیه در حال فیش برداری است. نسخ خطی کتابخانه مجموعه‌ای بالغ بر بیست و پنج هزار جلد را تشکیل می‌دهد که بعضی از عناوین آن، خود مجموعه‌ای از چند

کتاب و رساله را تشکیل می‌دهد که اگر تعداد آن عناوین نیز جدا به حساب آید، این مجموعه بالغ بر پنجاه تا شصت هزار نسخه خطی می‌گردد. تا کنون بر این مجموعه هفده جلد فهرست نگاشته و چاپ شده و جلد هجدهم آن نیز در دست چاپ است. در هر جلد از این فهرستها، چهارصد کتاب معرفی گشته است.

مجموعه ذخائر این کتابخانه در حال فزونی و گسترش است. زیرا گذشته از ارسال کتابهای اهدایی یا وقفی به کتابخانه، بعضی از صاحبان کتابخانه‌های کوچک شخصی و نسخ خطی، کتابها و نسخ خود را به این کتابخانه اهدا و یا وقف می‌کنند. همچنین بنا به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، کلیه ناشرین موظفند تعداد پنج جلد از آثاری که منتشر می‌کنند، به پنج کتابخانه بزرگ کشور، یعنی کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه بزرگ کشور، یعنی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی و این کتابخانه هدیه کنند. لذا از این طریق، تازه‌ترین آثار منتشر شده به کتابخانه ارسال می‌گردد. همه ساله نیز نماینده‌ای از سوی کتابخانه در نمایشگاههای مختلف کتاب که در خارج از کشور تشکیل می‌شود شرکت می‌کند و آخرین کتابهای منتشر شده از سوی ناشران، بویژه ناشران کشورهای عربی، و خصوصاً لبنان و سوریه، خریداری می‌کند و به این کتابخانه ارسال می‌گردد.

در مسافرتها‌یی که گاه و بیگاه اینجانب بنا به دعوت کتابخانه‌ها به خارج از کشور دارم؛ کتابهای مختلفی که در رابطه با جهان اسلام و یا ایران است به زبانهای مختلف چاپ و منتشر شده است خریداری می‌کنم. گاهی نیز کتابخانه‌های شخصی که در آن مجموعه‌ای از کتابهای مختلف خطی و چاپی موجود است، برای فروش به این کتابخانه پیشنهاد می‌شود.

غیر از کتابهای عربی، بیشترین کتابهای خارجی زبان این کتابخانه، از طریق مبادله فرهنگی با مراکز تحقیقاتی و کتابخانه‌های بزرگ جهان تأمین می‌گردد. از هر کتابی که توسط کتابخانه ما چاپ و منتشر می‌گردد، یک نسخه برای مراکز ارسال، و آنان نیز متقابلاً کتابهای منتشره خود را به این کتابخانه ارسال می‌دارند. تمام تلاش ما بر این است که هر مقدار کتاب و نسخه خطی نفیس که برای فروش به این کتابخانه عرضه می‌شود، خریداری کنیم.

اکثر قریب به اتفاق کتابهای خطی این کتابخانه، غیر از آنهایی که حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی وقف فرموده‌اند، خریداری شده است؛ چرا که در میان کتب واقفین و اهداکنندگان، کمتر نسخ خطی دیده می‌شود.

س: حضرتعالی اشاره‌ای داشتید که گنجینه نسخ خطی کتابخانه از بیست و پنج هزار جلد تشکیل شده است خواهشمند است از این گنجینه عظیم و کم نظیر، اطلاعات بیشتری در اختیار خوانندگان آن بگذارید.

ج: بیش از شصت درصد از مخطوطات این کتابخانه به زبان عربی، و بقیه به زبان فارسی و اردو می‌باشد. بعضی از آنها مجموع چندین رساله بزرگ و کوچک، در یک مجلد هست. اکثر نسخه‌های خطی این کتابخانه منحصر به فرد است. در میان آن، نسخه‌هایی به خط مبارک علمای بزرگ شیعه دیده می‌شود.

همچنین نسخه‌هایی وجود دارد که برای بزرگان از علمای شیعه قرائت شده و آنان صحت متن را تصدیق کرده و اجازه بهره‌برداری از آن را داده‌اند. در آن مجموعه، خط مبارک عالمان بزرگی مانند شیخ طوسی، محقق اول، علامه حلی، فخر المحققین، سید حیدر آملی، شهید ثانی، علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی، میرداماد، شیخ بهائی، آخوند ملاصدرالدین شیرازی، فیض کاشانی همچنین شیخ انصاری فضل الله نوری و... موجود است. قدیمیترین نسخه خطی این مجموعه که تاریخ دارد، بخشی از قرآن مجید است که به خط علی بن هلال، مشهور به ابن بواب کاتب بغدادی است. این بخش شامل دو جزء از قرآن مجید است که در سال ۳۹۲ هجری قمری در بغداد نوشته شده و پایان آن، نام کاتب و تاریخ نگارش آن موجود است. البته نسخه خطی دیگری از قرآن مجید به خط کوفی وجود دارد که طبیعتاً باید قبل از نسخه ابن بواب نگارش یافته باشد؛ اما تاریخ نگارش آن مشخص نیست. حتی در یک نگاه گذرا به مجموعه نسخ خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، از نسخ موجود در این کتابخانه، جهت آشنایی بیشتر با این مجموعه، خالی از فایده نیست:

۱. چند برگ قرآن کوفی؛ از قرن سوم هجری.

۲. دو جزء قرآن به خط علی بن هلال، معروف به ابن بواب کاتب بغدادی؛ به تاریخ ۳۹۲ ق.
۳. اعراب القرآن؛ ۴۴۶ ق.
۴. دو جلد تفسیر تبیان شیخ طوسی که برایشان قرائت شده است؛ به تاریخ ۴۵۵ ق.
۵. نهج البلاغه؛ ۴۹۶؛ یا ۴۹۹.
۶. نهایت شیخ؛ ۵۰۷ ق.
۷. مبسوط شیخ؛ ۵۰۷ ف.
۸. معجم الصحابه بغوی؛ ۵۱۳ ق.
۹. نهج البلاغه، با اجازه بر روی آن؛ ۵۲۹ ق.
۱۰. رسائل صابی؛ ۵۳۳ ق.
۱۱. نهایت شیخ؛ ۵۳۵ ق.
۱۲. نزهة القلوب؛ ۵۴۳ ق.
۱۳. الجمل الهادیة؛ ۵۷۲ ق.
۱۴. ارشاد مفید؛ ۵۶۵ ق.
۱۵. بصائر الدرجات؛ ۵۹۱ ق.
۱۶. رجال کشی؛ ۵۷۷ ق.
۱۷. انتصار سید مرتضی؛ ۵۹۱ ق.
۱۸. دو جلد من لا یحضر؛ قرن ششم.
۱۹. مجموعه رسائل مفید؛ قرن ششم.
۲۰. المزار؛ قرن ششم.
۲۱. نهج البلاغه؛ ۶۴۹ ق.
۲۲. تفسیر ینابیع العلوم؛ ۶۶۱ ق.
۲۳. شفای ابن سینا؛ ۶۲۲ ق.
۲۴. نهج البلاغه؛ ۶۷۷ ق.
۲۵. صحیفه سجادیه، ۶۹۵ ق.
۲۶. الجمع بین الصحیحین؛ ۶۷۵ ق.

۲۷. ذخیره خوارزمشاهی؛ ۶۸۶ق.

به طور کلی کتابهای قرن پنجم به بعد در این کتابخانه بسیار است که اگر بخواهیم اسامی همه آنها را بیاوریم، بیش از آن است که در این مختصر بگنجد. قسمت اعظم مجموعه کتب خطی، حاصل رنج بسیار و زحمت توانفرسایی است که حضرت آیت الله العظمی مرعشی در گردآوری آن متحمل شدند؛ کتابهایی که از چنگال واسطه‌ها در همه جای نجف، بویژه در بازار قیصریه، چوب حراج و تاراج را به ذخائر فرهنگ اسلامی می‌زدند؛ تمام تلاش ایشان صرف این می‌شد که تا حد ممکن بخشی از این میراث فرهنگی و ذخائر گرانبها حفظ شود. البته تلاش ایشان در مقابل آنچه که آنان به پشتوانه سرمایه‌های هنگفت خود از عراق خارج می‌کردند، بسیار محدود بود. اما همین تلاش محدود که از علاقه و توجه ایشان به این ذخائر فرهنگی سرچشمه می‌گرفت؛ هسته اصلی و مرکزی این مجموعه را فراهم ساخت. اگر تنگناهای اقتصادی و یا ملامتهای افراد بی توجه می‌توانست اراده ایشان را سست کند؛ امروز این مجموعه را نداشتیم.

بعدها که من نیز افتخار همراهی ایشان را در گردآوری ذخائر فرهنگی اسلام داشتم؛ خود ناظر ملامت افرادی بودم که به ظاهر و بنا به نیت خود برای ایشان خیرخواهی و دلسوزی می‌کردند. آنان می‌خواستند ایشان را از میان انبوه اوراق خاک گرفته نجات دهند و به ایشان پیشنهاد می‌کردند که اگر می‌خواهید کتابخانه‌ای داشته باشید، چه بهتر که از کتابهای چاپی امروز که با چاپهای خوب و جلدهای تمیز و قشنگ همه جا فراوان است، تهیه کنید و خود را از رنج جستجو در میان اوراق برهانید. اما ایشان در پرتو هدف و انگیزه مقدس خود، ثابت و استوار ماندند، حتی در سال ۱۳۴۳ق در زمان مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری که ایشان از نجف اشرف به قم آمدند؛ این انگیزه و هدف را با خود داشتند و اینجا هم چه در لابلای انبوه کتابها و اوراقی که در مدرسه فیضیه بدون کمترین توجهی انباشته شده بود؛ و چه در مکانهای دیگر، هدف خود را تعقیب می‌کردند و به نتایجی هم رسیدند.

البته علمای پیشین ما سعی کامل و تلاش بسیار در حفظ ذخائر اسلامی داشتند و این امر از میان حوادث اندوهباری که بر میراث فرهنگی ما گذشته، به خوبی مشاهده



می‌شود. چندین بار مجموعه آثار فرهنگ اسلام توسط دشمنان به آتش کشیده شد: کتابخانه شیخ طوسی را به آتش کشیدند؛ در حمله مغولها به ایران در نیشابور، کتابخانه‌ای را با حدود هشتاد هزار جلد کتاب آتش زدند و تمامی آن را سوزاندند؛ بعد از حمله افغانه به ایران و تسلط آنان بر این سرزمین، معروف است که سوخت حمامهای اصفهان را تا مدتی از کتابهای علمای بزرگ شیعه تأمین می‌کردند؛ و حوادث دیگر از این قبیل.

بنابراین آنچه امروزه به دست ما رسیده است، حکایت از رنج فراوان و سعی و تلاش بسیاری دارد که در حفظ آن عالمان و بزرگان پیشین کوشیده‌اند. بنابراین ما باید با تمام وجود در حفظ این آثار بکوشیم و آن را از دسترس حوادث دور نگه داریم. اگر تب حساسیت حفظ میراث فرهنگی در میان بزرگان ما فرو نمی‌نشست و رو به ضعف نمی‌گذاشت و همان حساسیت عالمان بزرگ سلف حفظ می‌شد؛ استعمارگر پیر نمی‌توانست نسخ خطی و اصیل کتب اربعه شیعه را در راستای اهداف پلید خود تا حد نایابی نابود کند. و بعد ادعا کند که مذهب تشیع اصل و بنیادی در تاریخ صدر اسلام نداشته، و ساخته و پرداخته دست حکام و زمامداران صفویه است. س: همان گونه که حضرت عالی نیز فرمودید، حفظ و نگهداری ذخائر فرهنگی اسلام بسیار لازم و با اهمیت است. در این راستا شما برای حفاظت از مجموعه‌ای که در اختیار دارید، چه تدابیری را اندیشیده‌اید؟

ج: مجموعه آثاری که ما در اختیار داریم، به دو بخش کلی آثار خطی کهن و آثار غیر خطی و جدید تقسیم می‌شود. و لذا به دو نوع مراقبت و نگهداری احتیاج دارد: یک مراقبت عمومی که شامل تمام این آثار می‌شود؛ و دیگر مراقبت‌های ویژه که مخصوص آثار خطی و کهن است. در بخش مراقبت‌های ویژه در مرحله اول تصمیم گرفته شده است از کلیه این آثار میکروفیلم تهیه شود؛ تا بنا بر احتیاط اگر اصل نسخه دستخوش آفتی شد؛ حداقل میکروفیلم آن موجود باشد. تاکنون در حد پنج هزار نسخه میکروفیلم شده و بقیه نیز در حال انجام یافتن است.

چون کلیه نسخ خطی نفیس و اکثر آنها منحصر به فرد است، در اختیار مراجعه کنندگان معمولی قرار نمی‌گیرد. چرا که استفاده از این نسخ شیوه و آداب بخصوصی

دارد که عدم رعایت آن، عمر نسخه را کوتاه می‌کند و گاهی نیز آن را از بین می‌برد. به عنوان مثال در مطالعه این نسخه‌ها، هیچگاه نباید برای ورق زدن آن از رطوبت دست و کمک گرفت؛ چرا که رطوبت بر روی جوه رو کاغذ آن اثر نامطلوب می‌گذارد و رفته رفته کلمات حاشیه آن محو و ناخوانا می‌شود.

هرگاه یکی از نسخ خطی کتابخانه بنا به ضرورتی مورد نیاز یک محقق باشد، آن را با نظارت یک فرد مسئول در مدت مشخصی داخل سالن ویژه کتابخانه در اختیار او می‌گذاریم. البته ما چنین مشکلی را در مورد ارائه میکروفیلم از این آثار خطی به اشخاص حقیقی یا حقوقی که در جهت تألیف و تحقیق به آن نیازمند باشند، نداریم. و هرگاه تقاضایی به ما برسد اقدام می‌کنیم.

از جمله مراقبتهای ویژه از نسخ خطی و آثار کهن، عدم تهیهٔ زیراکس از صفحات آن است، چرا که حرارت دستگاه زیراکس باعث خشک شدن صفحات کتاب می‌گردد و به مرور زمان صفحات خشک شده، شکسته و خورده می‌شود. بنابراین تنها طریق مجاز تکثیر این نسخ، استنساخ و یا تهیهٔ میکروفیلم از آن است.

در بخش مراقبتهای عمومی که شامل تمام ذخائر کتابخانه می‌شود؛ در کتابخانه‌های ایران نسبت به دو آفت آتش سوزی و موریانه بیشترین توجه را باید داشت؛ چرا که این دو آفت، کتابخانه‌های ما را نسبت به آفات دیگر بیشتر تهدید می‌کند. در مورد آتش سوزی، کتابخانه دارای دستگاههای تمام اتوماتیک مجهز به چشم الکترونیک می‌باشد که با احساس کوچکترین دود، در ابتدا زنگهای هشدار دهندهٔ آن به صدا در می‌آید؛ و در صورتی که عکس العمل مناسبی صورت نگیرد، کپسولهای حاوی گاز بالن این دستگاه به طور اتوماتیک به پخش گاز می‌پردازد. این گاز فوراً حریق را خاموش می‌کند؛ بدون اینکه برخلاف دیگر گازهای اطفای حریق، بر روی کتابهای اثر سوئی بگذارد.

برای مقابله با آفت موریانه اخیراً کتابخانه به دستگاهی مجهز شده است که حالت قرنطینه برای کتابها دارد. کتابهایی که مورد هجوم موریانه قرار گرفته و یا در معرض هجوم بوده است، به مدت هفتاد و دو ساعت در این دستگاه که داخل آن حاوی گازی برای موریانه زدایی و استریزه کردن کتاب است، قرار می‌گیرد. کتابهایی که از این قرنطینه بگذرند، برای همیشه استریزه می‌شوند و نسبت به موریانه در امان خواهند بود.

س: در میان فرمایشات حضرتعالی اشاره‌ای بود به مبادله میان انتشارات کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی با دیگر کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی؛ شما وجود چنین رابطه‌ای را در راستای حیات مفید و فعال کتابخانه در چه حد از ضرورت می‌دانید؟

ج: اصولاً یک کتابخانه یا مرکز فرهنگی بزرگ، بدون ارتباط با دیگر مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های داخل و خارج کشور نمی‌تواند فعالیت کامل و مفیدی داشته باشد. در یک ارتباط خوب و مفید با دیگر مراکز فرهنگی امکان سرویس دهی مطلوب و فایده رسانی مفید بیشتر فراهم می‌گردد. اطلاع از ذخائر و امکانات دیگر کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و داشتن آثار منتشر شده آنها، امکان چنین سرویس دهی و فایده رسانی را فراهم می‌کند. در همین راستا این کتابخانه با بیش از سیصد و شصت مرکز علمی، آکادمی، دانشگاه و کتابخانه‌های بزرگ - اعم از داخل و خارج از کشور - ارتباط و مکاتبه و مبادله پایا دارد؛ تا بتواند چنین ارتباطی برای این کتابخانه، آرشیو کتابهای خارجی آن است که بیش از پانزده هزار جلد کتاب در موضوعاتی مانند اسلام، ایران و علوم مختلف را در خود گنجانده است.

اکثر کتابهای این مجموعه از طریق همان رابطه پایا و مبادله منشورات، گردآوری شده است. آنچه کتابخانه‌ها و مؤسسات فرهنگی خارج در زمینه مسائل مورد نیاز ما منتشر ساختند، برای ما فرستادند. ما نیز در مقابل، یک جلد از کلیه منشورات خود را برای آنها فرستادیم. در نتیجه همین رابطه، ما مجموعه‌ای متشکل از دو هزار کتاب عکسی مخصوص داریم. میکروفیل‌هایی که از کتابهای خطی موجود در کتابخانه‌های خارج از کشور گرفته شده، از روی آنها عکس تهیه گشته و به صورت کتابهای عکسی، مجموعه‌ای در دو هزار جلد را تشکیل داده است. این میکروفیل‌ها از روی نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های مختلف از جمله کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه بریتانیا در لندن، کتابخانه چستربیتی در دوبلین، کتابخانه اسکوریا در اسپانیا، کتابخانه واتیکان، کتابخانه آمپروزیانا در میلان ایتالیا، کتابخانه ظاهریه دمشق کتابخانه دارالکتب قاهره، و کتابخانه‌های ترکیه و هند و پاکستان، تهیه شده است. البته این بخش بسیار کوچک و محدودی از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی

است که ما با آنها ارتباط داریم؛ ذکر اسامی و مشخصات تمامی آنها در این مقال نمی‌گنجد. از جمله ما فقط در آمریکا با بیش از هشتاد مرکز فرهنگی، از قبیل کتابخانه کنگره ارتباط فرهنگی داریم. اخیراً تصمیم گرفتیم از کتابهای عکسی که اصل نسخه آنها در کتابخانه‌های دیگر نگهداری می‌شود و ما عکس آنها را داریم، فهرستی منتشر کنیم و در اختیار علاقه‌مندان بگذاریم.

البته این نکته قابل تذکر است که در این چند سال اخیر که روابط دولت جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها نوساناتی داشته، ما هم در ارتباطهای خود کم و بیش چنین نوساناتی را داشتیم. اما خوشبختانه فعلاً تصمیماتی گرفته شده است که از طریق آن جبران کمبودهای هفت - هشت سال گذشته بشود و از این ناحیه، کتابخانه کمبود و مشکلی نداشته باشد و بتواند آثار مفید و لازم منتشر شده را کسب کند.

س: حضرتعالی در یک نگاه گذرا، بعضی از عناوین نسخ خطی موجود در کتابخانه را با اجمال مرور کردید. لطفاً در مورد عناوین کلی کتابهای چاپی نیز چنین مورو کوتاهی داشته باشید؟

ج: یک نگاه اجمالی و مروری - هرچند کوتاه - بر عناوین مجموعه کتابهای چاپی که از مرز دویست و پنجاه هزار جلد گذشته و هر روز در حال افزایش است، فرصت زیادی می‌طلبد. اما در یک نگاه بسیار کلی و گذرا یادآوری می‌شود که در حدود صد و سی و پنج هزار جلد از کتابهای چاپی این کتابخانه فیش برداری شده و بقیه نیز در حال فیش برداری است. عناوین کلی این مجموعه عبارتست از:

۱. فرهنگ اسلامی: در این بخش مجموعه عناوین بسیاری که در رابطه با مکتب اسلام است، قرار می‌گیرد. از قبیل: علوم اسلامی، تاریخ اسلام، فرهنگ، تمدن، هنر اسلامی و...  
 ۲. فرهنگ تشیع: در این بخش منابع فرهنگ شیعی در موضوعاتی مانند کلام، تفسیر، فقه تاریخ و غیره جای می‌گیرد.

۳. فرهنگ عمومی: این بخش شامل عناوینی در فرهنگ عمومی، از قبیل علوم مختلف و گوناگون، تاریخ جهان و ایران، فرهنگ ملل و اقوام مختلف و گوناگون، هنرهای مختلف، علوم غربیه، و عناوین کوچکتری مانند موسیقی، شطرنج و... می‌شود.

در این بخش کتابهایی چاپی نیز مجموعه بسیار نفیسی از کتب چاپی بسیار کهن موجود است و مربوط به اوایل پیدایش صنعت چاپ می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان از کتاب تحریر اقلیدس که پانصد سال پیش چاپ شده است، یا انجیل و کتاب قانون ابن سینا که در اوایل پیدایش صنعت چاپ در رم به چاپ رسیده، نام برد. در بخش کتابهای چاپی مجموعه‌ای از کلیه کتابهای فرقه‌های دینی، از قبیل وهابیت، بهائیت، همچنین کتابهای گروهکهای سیاسی در جایگاه مخصوص وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده محققان و مؤلفان معتبر قرار بگیرد. این بخش کتابخانه از ناحیه این کتابهای مصادره‌ای که از گروهکهای مختلف ضبط شده است، تغذیه گشته و می‌شود.

س: این کتابخانه براساس کدام متد کتابداری اداره می‌شود؟

ج: در حال حاضر شیوه و متد ما سنتی و قدیمی است. برای کتابها سه نوع فیش وجود دارد: فیشهای سفید رنگ و براساس نام کتابها؛ فیشهای سبز رنگ و براساس موضوع کتابها؛ و فیشهای صورتی رنگ و براساس مؤلف کتابها. هر سه دسته از فیشها براساس حروف الفبا تنظیم شده است.

البته همان گونه که ضرورت اقتضاء می‌کند، اگر بخواهیم همپای دیگر مراکز فرهنگی خوب دنیا حرکت کنیم و به سرویس دهی مطلوب و متناسب با زمان پردازیم، تصمیم جدی داریم که در آینده‌ای نه چندان دور سیستم کتابداری جدید را پیاده کنیم. البته این خود مقدمه کامپیوتری کردن سیستم کتابداری اینجا می‌شود، گرچه آن موقع نیز سیستم سنتی کنونی باقی خواهد ماند و مورد استفاده کسانی که مایل باشند از آن بهره بگیرند، قرار خواهد داشت.

س: تعداد اعضای این کتابخانه چند نفر است؟

ج: برای آقایان محققین و طلبه‌ها که محدودیتی در استفاده از کتابخانه نیست و احتیاج به کارت عضویت ندارند. ولی تعداد آقایان دیگری که با شرایط خاص عضو این کتابخانه می‌شوند و کارت عضویت دارند؛ اکنون شش هزار و ششصد و چهل نفر

هست. و روزانه - به طور متوسط - هزار و پانصد، تا دو هزار نفر از این کتابخانه استفاده می‌کنند. کتابخانه متأسفانه به علت کمبود مکان و محدود بودن سالن مطالعه فعلاً از پذیرفتن خواهران معذور است. همچنین به علت وجود کتابهای بسیار نفیس و گرانسنگ و رعایت احتیاط کامل در حفظ و نگهداری آن، این کتابانه بخش امانی ندارد و کتاب را برای مدتی به صورت امانت در اختیار اعضا قرار نمی‌دهد.

س: حضرتعالی اشاره به کمبود مکان داشتید. برای توسعه کتابخانه

و رهایی از این مشکل به چه طرحهایی اندیشیده‌اید؟

ج: بله، از چندین وقت پیش احساس کمبود مکان می‌شد. غیر از اینکه این کمبود سرویس دهی ما را تا حدی با مشکل روبرو کرده است و با این افزایش حجم کتاب، تا یک سال آینده، کتابخانه محل نگهداری کتابهای جدید را هم نخواهد داشت. از این رو دیروقتی است که به فکر توسعه کتابخانه هستیم و در این زمینه اقداماتی انجام شده است.

در زمان حیات شریف حضرت امام خمینی - قدس السره الشریف - مسأله کمبود مکان را خدمت ایشان عرض کردیم و ایشان طی حکمی دولت را مأمور همکاری کامل با ما در جهت رفع این مشکل فرمودند که صورت این حکم موجود است. البته قبل از آن خدمت جناب آقای میر حسین موسوی - نخست وزیر وقت - که از کتابخانه دیداری داشتند، مشکل کمبود مکان مطرح شد. و ایشان قطعه زمینی به مساحت هشت صد متر (ساختمان قدیمی شرکت بیمه) که در جنب کتابخانه و در اختیار دولت بود، به ما واگذار فرمودند. متعاقباً مقدار دیگری هم از خانه‌های اطراف کتابانه خریداری شد که در مجموع دو هزار متر زمین برای افزایش به مساحت هزار و پانصد متری کتابخانه آماده گشت.

برای تهیه نقشه بنای جدید کتابخانه، مهندسان و کارشناسان مربوطه را به کتابخانه‌های مهم و بزرگ دنیا فرستادیم؛ تا ضمن دیدار از بنای کتابخانه، نقشه ساختمان آنها را نیز بگیرند؛ و از میان آنها به بهترین و جامعترین طرح دست یابیم. سرانجام پس از یک سال و نیم، طرح مطلوب آماده شد. این طرح که ان شاء الله - هرچه

زودتر کلنگ شروع آن به زمین می خورد، حدود چهارده هزار متر در هفت طبقه زیربنا دارد. در این طرح مخزن کتب خطی در زیرزمین ساخته می شود. مخزن بتونی فوق استحکام و به صورت شناور که حتی در مقابل بمباران اتمی نیز مصون است. طبیعتاً این مخزن در مقابل زلزله با ریشترهای معمولی و موشک باران و انفجارها نیز مصون خواهد بود.

در همین بمباران و موشک باران اخیر قم توسط رژیم بغداد از جمله نگرانیهای ما مخزن کتب خطی کتابخانه بود که اگر موشک یا بمبی به آن اصابت می کرد، معلوم نبود چه بشود. - بحمد الله و منّه - چنین پیش آمدی نشد؛ ولی نسبت به آینده باید کاملاً رعایت مسائل ایمنی بشود.

قسمتی از بنا در طرح جدید به بیمارستان کتاب، یعنی بخش آسیب شناس و ترمیم آسیبها؛ قسمتی به کارگاههای مجهز صحافی کتب خطی و دیگر کتب؛ همچنین قسمتی برای خدمات جنبی از قبیل تهیه میکروفیلم و ظهور فیلم و مسائل دیگر اختصاص یافته است. دیگر ضروریات یک کتابخانه مجهز و همچنین مکانهای لازم برای استقرار تجهیزات کامپوتری نیز در نظر گرفته شده است. در طرح جدید قسمتی خاص برای محققان در نظر گرفته شده است که آنان بتوانند رأساً از منابع مورد نیاز استفاده کنند. جدای از سالن آمفی تئاتر، سالنهای سمعی و بصری هم برای استفاده نابینایان و ناشنوایان در نظر گرفته شده است.

س: حضرتعالی در یک مقایسه میان کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی و دیگر کتابخانه های معتبر کشور، چه جایگاهی را برای آن ارزیابی می کنید؟

ج: این کتابخانه از نظر داشتن ذخائر فرهنگ اسلامی و بویژه فرهنگ شیعی، از جنبه کمی و کیفی بر دیگر کتابخانه ها، حتی کتابخانه آستان قدس رضوی پیشی گرفته است. کتابخانه آستان قدس رضوی از نظر دارا بودن کتابهای بسیار نفیس هنری، مینیاتوری و قرآنها نفیس، به راستی غنی و مقام اول را دارد. اما این کتابخانه بنابر اینکه هدف اصلی مؤسس و گرد آورنده آن، مجموعه کتابهای خطی و نفیس در زمینه

فرهنگ اسلام متمرکز بوده است، در زمینه‌های هنری و مینیاتوری به پای آن نمی‌رسد. اما در فرهنگ اسلامی از آن غنیتر است.

و اما کتابخانه‌های خارج از کشور، در زمینه فرهنگ اسلامی، بیشتر به منابع اهل سنت تکیه و دسترسی داشتند. و به این لحاظ از نظر منابع فرهنگ شیعی بسیار ضعیف و محدود می‌باشند.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از ایران کتاب خاصی به کتابخانه‌های بزرگ دنیا ارسال نمی‌شد؛ تنها چندین کتاب که مربوط به جشنهای دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی بود، ارسال گشته بود؛ و خیلی از کتابخانه‌ها تصور می‌کردند که تنها همین چندین کتاب در ایران منتشر شده است.

وقتی ما بعد از انقلاب کتابهایی را به کتابخانه‌های دنیا ارسال کردیم، آنها به دیده تعجب می‌نگریستند. امروزه ما ضمن ارسال منابع شیعه، کاتالوگهایی نیز از انتشارات موجود برای آنها می‌فرستیم.

س: حضرت‌عالی اشاره فرمودید که شما هم از سالیانی پیش در گردآوری نسخ خطی سهمیم هستید و فعلاً نه به این امر مهم اهتمام می‌ورزیدند. بنابراین باید در این جهت خاطرات بسیاری داشته باشید. لطفاً برخی از خاطرات خود را در این زمینه بازگو بفرمایید.

ج: خاطرات من در این زمینه بسیار زیاد است: خاطرات شیرین و تلخ که از میان آنها می‌توان خیلی مطالب را فهمید. از جمله کیفیت برخورد تأسف آور ما با ذخائر فرهنگی بسیار غنی که از پیشینیان برای ما به ارمغان مانده است، و ضرورت سر و سامان دادن به این مسئله حیاتی و گردآوری و حفاظت مطلوب این آثار.

یک روز جناب آقای والد به من تلفن فرمودند که بیا منزل یک آقای آمده و نسخه خطی را برای فروش آورده است. بنده رفتم و دیدم کتابی در علم جغرافیا است. از آن شخص سؤال کردم باز هم کتاب خطی دارید؟ گفت: نه؛ تنها یک سری اوراق دارم. گفتم: منزلتان کجاست؟ گفت: کاشان. پرسیدم: چه وقت به کاشان برمی‌گردید؟ گفت: همی ساعت عازم هستم. من نیز همراه ایشان رفتم کاشان. وارد منزل ایشان که شدم،



سراغ او را گرفتم. گفت درون طویله‌ای است که پدران ما در آنجا چهار پایان خود را نگه می‌داشتند. رفتم آنجا و از میان انبوه گرد و خاک اوراق زیادی را درآوردم و مشغول مطالعه و بررسی آنها شدم. (در اینجا داخل پرانتز باید این مطلب را عرض کنم که از جمله الطاف خداوند متعال به اینجانب این است که در اثر ممارست زیاد به نسخ خطی کهن، در زمینه کتابشناسی و نسخه‌شناسی مهارتی به دست آوردم که از نوع کاغذ و خط، تاریخ و کتابت آن را حدس می‌زنم.) در بررسی اولیه حدس زدم که تاریخ کتابت آن اوراق، اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است و کاملاً نظرم را جلب کرد. در میان آنها چندین ورق، به هم متصل بود که در همان نگاه اول مشخص شد که کتابی است در علم کلام؛ اما این کتاب ابتدا و انتها نداشت. در حالی که من با توجه و علاقه کامل مشغول بررسی آن اوراق بودم، خانم آن مرد از بیرون به صدای بلند گفت: آقا چرا خودتان را معطل کردید، خدا پدرتان را پیامرزد ما حاضر هستیم یک چیزی به شما بدهیم که ما را از شر این اوراق خلاص کنید. لطفاً تمام اینها را از اینجا ببرید! من گفتم باشد شما یک چادر رختخواب پیچ بیاورید؛ آن خانم ضمن اینکه چادر را آورد، گفت: این هم دستمزد شما که این خاک و خوله‌ها را از اینجا می‌برید. من تمام آن اوراق را بستم، مقداری هم پول به آن آقا دادم که او خیلی خوشحال شد و به دیده تعجب می‌نگریست و کتابها را به قم آوردم. سپس از میان این اوراق، مجموعه‌ای از رسائل شیخ مفید که در اواخر قرن پنجم نوشته شده بود، به دست آمد. یکی - دو نسخه منحصر به فرد هم در میان آنها بود که هرکدام شامل ده تا پانزده رساله بود که اصل این نسخه‌ها، در کتابخانه مرحوم فیض کاشانی بوده است و ایشان به لحاظ اینکه مبدا این نسخه‌ها از میان برود، به کتاب خود دستور فرموده بودند که آنها را استنساخ بکند.

همچنین روزی دیگر نامه‌ای از بابل برای ما رسید که فردی نوشته بود پدرم اهل علم و روحانی بوده و درگذشته است. مقداری کتاب قدیمی از ایشان به جا مانده است که می‌خواهیم آنها را بفروشیم، اگر شما مایل هستید برای خرید به اینجا بیایید. نامه قبل از ظهر یک روز زمستانی بسیار سرد به دست من رسید. من بلافاصله و بدون درنگ به همراه یک راننده روانه بابل شدم. جاده را برف زیادی پوشانده و در مواردی

یخ بندان بسیار خطرناکی بود. با تمام مشکلات خود را به بابل رساندیم؛ پس از نیمه شب وارد شهر شدیم و در یک مسافرخانه بدون امکانات ساعتی را به سختی بسر بردیم. سپس با زحمت زیاد نویسنده نامه را پیدا کردیم. یکی از این مغازه داران بابل بود. به سراغ کتابها که رفتیم، دیدم آنها را مانند خرمنی روی زمین مرطوب انباشته و چند عدد صندوق هم روی آنها گذاشته است. به او گفتم اینها را قیمت گذاری کن. گفت شما تمام اینها را ببرید، بعد هرچه قیمت آن شده برایم بفرستید. ما کتابها را به سختی داخل ماشین جای دادیم. ماشین چنان سنگین شده بود که گاه بیگانه کف آن به یخهای میان جاده برخورد می‌کرد. به سوی قم حرکت کردیم و در بازدید از آن کتابها به نسخه بسیار نفیسی از تألیفات محمدبن صفار قمی به نام بصائر الدرجات برخوردیم که در سال ۵۹۱ قمری نوشته شده بود. همچنین نسخه‌های دیگری که به خط علمای متأخر، یعنی قرن دوازده و سیزده نوشته شده بود، برخوردیم که در مجموع برای ما خیلی ارزنده بود.

علت شتاب ما برای به دست آوردن این گونه مجموعه‌ها همان نگرانی است که نسبت به واسطه‌های مزدور داریم؛ واسطه‌هایی که هنوز هم وجود دارند و می‌خواهند این منابع را از کشورهای اسلامی خارج کنند. در تهران، قبلاً کلیمیان و غیر کلیمیان بسیاری بودند که چنین مجموعه‌هایی را می‌خریدند و نقاشی آن را از خارج می‌ساختند. با کمال تأسف ظاهراً هنوز مجموعه‌های گرانها توسط بعضی از سفارتخانه‌های خارجی از کشور بیرون برده می‌شود. خاطرات تلخ ما در این زمینه بیشتر به تاراج همین واسطه‌ها مربوط می‌شود یک روز از اهواز تلفن کردند که یک کتابخانه در معرض فروش است؛ ما به سرعت خود را به اهواز رساندیم اما با کمال تأسف واسطه‌ها حتی یک ورق از آن را باقی نگذاشته بودند. ظاهراً وهابیها برای خرید نسخ خطی منابع شیعه پول خوبی می‌پردازند. آنها به انگیزه معدوم کردن این منابع، آنها را به قیمت‌های بالا از واسطه‌ها می‌خرند.

کلکسیونرهای قرآن در خارج از کشور برای قرآنهای خطی ارزش فراوانی قائل هستند که جذبۀ فروش این قرآنها را بسیار بالا برده است. کتابهای ادبی و هنری هم در خارج مشتریان مخصوص به خود را دارد. کلاً در زمینه خروج کتاب، ما با بعضی از

مسئولین محترم مذاکراتی داشتیم. که ان شاء الله راههای جلوگیری و ممانعت از آن به خوبی شناخته و عملی گردد.

آنچه در زمینه گردآوری و حفاظت این میراثهای فرهنگی بر مشکلات و تأسف ما دو صد چندان می‌افزاید، عدم همکاری و یا بدسلیقه بودن بعضی از دارندگان این مجموعه‌هاست که بعضاً به ناپودی آن می‌انجامد. مثلاً کتابخانه‌ای شخصی در اصفهان وجود دارد که به لحاظ اختلافات ورثه، حدود هشتاد سال (بعضی از زمان قاجار) در آن مقفول مانده است و از سرنوشت کتابها هیچ خبری نیست. تمام تلاش و کوشش ما هم برای پایان دادن به این وضع اندوهبار به جایی نرسیده است. در موردی دیگر یک کتابخانه در قزوین است که متعلق به یکی از دانشمندان معاصر مرحوم مجلسی، به نام میر حسین قزوینی است. تعداد کتابهای موجود بان به آنچه در وقفنامه آمده، هجده هزار بوده است. ولی با کمال تأسف امروز بیش از هشتصد کتاب در آنجا موجود نیست. نه تنها ما نتوانستیم در جهت حفظ کتابهای باقی مانده، آنها را بخریم؛ که اجازه فیش برداری را هم به ما ندادند. از جمله کتابهایی که آنجا وجود دارد، رسائل خیام است که احتمالاً به خط خود خیام است. همچنین در این مجموعه کتابهای بسیار نفیسی از قبیل تلخیص الشافی که در تاریخ ۵۱۳ قمری تحریر یافته است، و رسائل ابن سینا با تاریخ تحریر ۴۸۰ قمری تحریر یافته است، و رسائل ابن سینا با تاریخ تحریر ۴۸۰، وجود دارد. حدود صد جلد از این مجموعه از نفیستین نسخه‌های موجود در ایران است.

پیشنهاد ما به مسئولان محترم این است که مرکزی را برای این منظور پایه ریزی کنند که در آن تعدادی کارشناس خبره در آنجا باشند و با یک بودجه خوب بتوانند چنین کتابخانه‌هایی را خریداری و مانع از میان رفتن آنها بشوند.

س: آیا شما نمی‌خواهید برای استفاده بیشتر علاقه‌مندان نسخ خطی، اقدام

به چاپ میکروفیلم‌های برگرفته شده از این نسخ بکنید؟

ج: چنین تصمیمی داریم و بناست بعضی از این نسخ حتی اگر هم چاپ شده باشد، میکروفیلم‌های آن را فاکس کنیم. از جمله یک نسخه نهج البلاغه و کتاب

دیگری به نام الاصلی که مؤلف آن ابن الطقطقی است. در این جهت اولویتهایی را در نظر داریم.

البته آنچه بر تمام این مراحل مقدّم است و اولویّت دارد، تکمیل مجموعه‌هایی ناقصی است که در میان این نسخ به چشم می‌خورد. مثلاً ما یک جلد از مجموعه پنج جلدی کتاب تهذیب مرحوم شیخ طوسی که به خط مرحوم حسین بن عبدالصمد جبائی حارثی، والد مرحوم شیخ بهایی است، داریم که ناقص است و باید تکمیل شود. اخیراً به وجود یک جلد دیگر آن در کتابخانه ملک واقف شدیم که بلافاصله از روی آن عکس گرفتیم و به آن ضمیمه کردیم. ظاهراً یک جلد دیگر آن در لکهنو است که در صدد هستیم از آن نسخه هم عکسی تهیه کنیم. به طور کلی مادر پی تکمیل نسخ ناقص خود، ولو از طریق تهیه کتاب عکسی هستیم. نسخه تهذیب مذکور از روی نسخه فخر المحققین استنساخ شده و نسخه فخر المحققین با یک واسطه از روی نسخه خود مرحوم شیخ طوسی استنساخ گردیده است.

س: در پایان ضمن تشکر بسیار از اینکه مقداری از وقت شریف خود را در اختیار ما گذاشتید و ما را با این کتابخانه بزرگ آشنا کردید، اگر فرمایشی داشته باشید در خدمت شما هستیم.

ج: بنده عرضی ندارم، تنها خواسته من توجه لازم و شایسته به میراث فرهنگی و ذخائر باقی مانده از علمای پیشین است. امیدوارم مسؤولین ذی ربط سیاستی را اتخاذ کنند و به مورد اجرا بگذارند که از خروج و نابودی این میراث و ذخائر حتی الامکان جلوگیری شود و به شیوه مطلوبی برای فرهنگ ما و آیندگان محفوظ بماند. والسّلام علیکم ورحمة الله و برکاته.